

بمناسبت پنجاه و هفتمین سالگرد ملی شدن صنعت نفت



بنظر ما سوسیالیست های مصدقی، تفاوتی که بین « ملی شدن صنعت نفت » و « غنی سازی اورانیوم و مسئله هسته ای » وجود دارد، این تفاوت به چگونگی عملکرد و محتوی سیاست و تصمیمات دولت دکتر مصدق و دولت دکتر احمدی نژاد مربوط می شود و نه به موضوع دفاع از «حاکمیت ملی»!!



در تاریخ معاصر ایران ، روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ، بعنوان یکی از بزرگترین افتخارات ملی ایران در استیفای حقوق و استقلال کشور و مبارزات ضد استعماری مردم ایران به ثبت رسیده است. برعکس ادعای برخی از فعالین سیاسی و تاریخ نگاران، که مبارزات نهضت ملی شدن صنعت نفت را تنها در رابطه با خلع ید از شرکت نفت انگلیس، آنهم بخاطر اعتراض و مخالفت با چپاول ذخائر نفتی میهنمان ایران ارزیابی می کنند، در حالیکه سمت و سوی اصلی آن مبارزات علیه سیاست و عملکرد دولت استعمارگر انگلیس بود. در واقع بیشتر یک مبارزه سیاسی بود تا اقتصادی. همانطور که دکتر مصدق بدرستی بیان کرده بود، شرکت نفت انگلیس به حکومتی در حکومت ایران تبدیل شده بود. با توجه به این واقعیت است که باید بطور صریح بیان داشت که، ملی شدن صنعت نفت برهبری دکتر محمد مصدق ، پیروزی

ملت ایران بر سیاست هژمونی طلبانه دولت استعمارگر انگلیس بود. ملت ایران توانست در اثر آن مبارزات ، استقلال و حاکمیت ملی (بزبان آلمانی : اشتات سوورنیتت) خود را مجدداً کسب نماید، اگرچه متأسفانه آن دست آورد بزرگ در اثر کودتای خائنانه سازمانهای جاسوسی «سیا» و «انتلیجنت سرویس» و کمک نیروهای ارتجاعی طرفدار محمدرضاشاه پهلوی در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بباد رفت! اسناد و مدارک تاریخ معاصر ایران بیانگر این واقعیت است که پس از برکناری رضاشاه از سوی دولتهای انگلیس، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (چرچیل، روزولت ، استالین)، از دوره چهاردهم مجلس شورای ملی ، مجدداً موضوع نفت و مسئله کسب امتیاز نفت از سوی کشورهای خارجی، همچون ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (روسیه) بیکی از مسائل سیاسی ایران در آن مقطع تاریخی تبدیل شده بود. از آن مقطع تاریخی است که دکتر مصدق با واگذاری امتیاز نفت به کشورها و شرکت های بیگانه به مخالف بر خاست و در آن رابطه دست به روشنگری زد. یکی از دلایل دکتر مصدق در مخالفت با واگذاری امتیاز نفت و ذخائر زیر زمینی ، بدین خاطر بود که در آنزمان دولتهای استعمارگر سعی می کردند تا با کسب امتیازی ، به نفوذ سیاسی خود در ایران بیفزایند . برای مقابله با آن وضع بود که دکتر مصدق در دوران مجلس چهاردهم، تز معروف « سیاست موازنه منفی » را مطرح نمود و بر پایه این سیاست بود که، با درخواست امتیاز نفت خوریان توسط کافترادزه، معاون کمیساریای ملی امور خارجه شوروی سوسیالیستی، مخالفت نمود. و طی نامه ای در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۲۳ به ماکسیوف ، سفیر کبیر اتحاد شوروی در ایران، موضع خود را در امر مخالفت با واگذاری امتیاز نفت به کشورها و شرکت های خارجی توضیح داد و متذکر شد« ... چون معتقدم که اتحاد جماهیر شوروی حق بزرگی بر ما دارد و ما را از مخاطره حیاتی نجات داده است میل نداشتم ترتیبی پیش آید که از امتیاز شوروی در مجلس عنوانی بشود و این جانب از نظر مخالفت

نظریاتی اظهار نمایم. این بود که برای جلوگیری از چنین حادثه ای در جلسه هفتم آبان ۱۳۲۳ مجلس شورایی نطق خود را ایراد نمودم و برای این که راهی مذاکره باز شود طرحی اتخاذ و خاطر نشان نمودم که مخازن نفتی ما بدون این که امتیازی داده شود مورد استفاده صنایع شوروی واقع گردد. این جانب به این ترتیب تکلیف نمایندگی خود را ادا کردم و از این حیث وجدانم آرام بود.» (۱)

نیروهاییکه با واگذاری امتیاز نفت به کشورهای بیگانه موافق بودند، خود را طرفدار تز «سیاست موازنه مثبت» می دانستند. و حتی برخی از آن نیروها مدعی بودند که از طریق تاکید بر شیوه «سیاست موازنه مثبت» می توان جلوی گسترش نفوذ سیاسی انگلیس در ایران را سد کرد و از آن طریق بحفظ استقلال ایران برخاست. اما دکتر مصدق براین نظر بود که استقلال ایران طلب می کند تا به هیچ کشوری امتیازی واگذار نشود و همچنین بایستی در جهت آماده کردن وضع سیاسی بخاطر خلع ید از شرکت نفت انگلیس مبارزه نمود.

در همین رابطه ضروریست یادآور شد که دکتر مصدق بخاطر جلوگیری از واگذار کردن امتیازات به نیروهای اشغالگر ایران، در همان دوره چهاردهم مجلس شورایی، طی سخنرانی طرحی به مجلس ارائه داد و در یازدهم آذر ماه ۱۳۲۳، را بتصویب نمایندگان مجلس رساند. طی آن طرح تا زمانی که خاک ایران در اشغال ارتش بیگانه قرار داشت (بخشهایی از خاک سرزمین میهنمان ایران در زمان جنگ جهانی دوم در اشغال ارتش دولت های ایالات متحد آمریکا، انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - روسیه، قرار داشت)، دولت ایران حق اعطای امتیاز به دولت های بیگانه را نداشت.

همان قانون منع اعطای امتیاز همچنین به «قوام السلطنه» کمک کرد، تا او در گفتگو و مذاکراتش با دولت شوروی و استالین در مسکو، بخاطر تخلیه ارتش سرخ از استان آذربایجان به آن قانون اشاره کند و خاطرنشان نماید تا زمانی که ارتش سرخ خاک ایران را در اشغال داشته باشد، امکان انعقاد قرارداد واگذاری نفت شمال ایران به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، قانوناً امکان پذیر نخواهد بود!

بی جا نخواهد بود تا متن طرح دکتر مصدق که به قانون منع اعطای امتیاز تبدیل شد را در این نوشته نقل کرد، تا بیشتر به درایت و هوشیاری و رسالت دکتر مصدق رهبر نهضت ملی ایران پی برد.

« ماده یکم - هیچ نخست وزیر، وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می کنند، نمی تواند راجع به امتیاز نفت یا هیچ يك از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دولت مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکت های نفت و هر کسی غیر از اینها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند و یا اینکه قرار دادی امضاء نماید.

ماده دوم - نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و روشی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم- متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

ماده چهارم- تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد. دادستان مزبور وظیفه دار است که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون محاکمه وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیر ماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.» (۲)

اسناد تاریخی آن مقطع تاریخی همچنین گواه براین امر دارند که موضوع درآمد شرکت نفت و سهم سود ایران در دوران نخست وزیری عبدالحسین هژیر در سال ۱۳۲۷ مورد بررسی آن دولت قرار

می گیرد، چونکه وضع مالی دولت هژیر بسیار بد بوده و آن دولت بر این نظر بوده که شرکت نفت سهم واقعی ایران از درآمد نفت را بر پایه قرارداد ۱۹۳۳ دوران رضاشاهی بطور کامل به ایران پرداخت نموده است .

در آنزمان شرکت نفت انگلیس برای بررسی مسائل مورد اختلاف، فردی بنام «نویل گس» را به ایران فرستاد. اما «نویل گس» حاضر نشد با خواسته های هژیر موافقت نماید و مبلغ بیشتری بابت سهم واقعی ایران در اختیار دولت ایران قرار دهد و بدون اینکه آن مذاکرات نتیجه ای داشته باشد ، به انگلیس برمی گردد.

اما «نویل گس» مجدداً در دوران نخست وزیری محمد ساعد مراغه ای به ایران سفر می کند و با عباسقلی گلشائیان وزیر دارائی دولت ساعد، در باره موضوع نفت به مذاکره می پردازد و با یکدیگر توافق می رسند و در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۲۸ (۱۷ ژوئیه ۱۹۴۹) ، قرارداد ی که شامل ۱۱ ماده بود به عنوان « قرارداد الحاقی » به قرارداد دوران رضا شاه که در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) منعقد شده بود - همان قراردادی که در زمان رضاشاه بجای قرارداد ۱۹۰۱ (۱۲۸۱ شمسی) ویلیام ناکس داریسی با انگلیسها منعقد کرده بود و بر پایه آن قرارداد جدید سی سال بمدت قرارداد داریسی افزوده شده بود که بعنوان « متمم قرارداد ویلیام داریسی» معروف شد - ، امضاء می کنند. آن قرارداد در اسناد و مدارک تاریخی بنام امضاء کنندگان آن - « قرارداد گس - گلشائیان » - ، نامیده شد. (۳)

دولت ساعد در روزهای آخر مجلس قانونگذاری دوره پانزدهم، آن قرارداد را برای تصویب به مجلس شورای ملی ارائه می دهد. اما چند نفر از نمایندگان مجلس از جمله حسین مکی ، حائری زاده و دکتر مظفر بقائی ، امیر تیمور کلای ... که در آنزمان خود را از نزدیکان دکتر محمد مصدق و آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی می دانستند، دست باعتراض و مخالفت با آن قرارداد می زنند و کوشش می کنند تا آن قرارداد به تصویب مجلس شورای ملی نرسد. در این ماجرا حسین مکی نقش بزرگی بعهده داشته است. مکی سخنرانی خود را در مخالفت با قرارداد گس - گلشائیان بقدری بدرازا می کشاند تا عمر قانونی مجلس دوره پانزدهم پایان می رسد.

البته ضروری است در این رابطه همچنین خاطر نشان کرد که اگرچه دکتر مصدق بعنوان نماینده در مجلس دوره پانزدهم حضور نداشت ولی وی از بیرون از مجلس شورا ایملی سعی می کند با کمک افرادی همچون مهندس حسینی و برخی از اعضای «حزب ایران» و دیگر استقلال طلبان ، حسین مکی را در تنظیم متن سخنرانی طولانی اش همراهی نماید!

بی جا نمی بینم در این مورد مشخص به نامه ای که دکتر مصدق در تاریخ دهم بهمن ماه ۱۳۲۷ خطاب به حسین مکی که در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی بعنوان نماینده شهر اراک، به مجلس راه پیدا کرده بود و از مخالفین «قرارداد گس گلشائیان» بود، اشاره کنم.

دکتر مصدق در آن نامه به حسین مکی می نویسد:

« ۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۷

جناب آقای مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی

اگرچه بعد از تحصن در دربار و شکست ملت ایران در انتخابات دوره پانزدهم اینجانب سکوت اختیار کرده و کوچکترین دخالتی در امور سیاسی نداشته و حتی از حضور در اجتماعات هم خودداری کرده ام ولی در مورد استیضاح جناب آقای اسکندری که یک قضیه حیاتی است نمی توانم مرقومه جناب عالی را بلاجواب گذشته و از اظهار عقیده خودداری نمایم ، زیرا سکوت سبب می شود که مردم تصور کنند ، این جانب هواخواه سیاست یک طرفی می باشم ، در صورتی که

ایرانی به دنیا آمده و ایرانی از دنیا می روم و به هیچ یک از سیاستها بستگی ندارم. یکی از مزایای دموکراسی آنست که مردم بتوانند به طور آزاد اظهار عقیده کنند. متأسفانه هر یک از طبقات و صنوف مختلفه کشور را به جهاتی دعوت به سکوت می نمایند از قبیل اینکه دانشجویان فقط درس بخوانند و کشاورزان مشغول زراعت باشند، وکیل در مجلس حرف نزند و جار و جنجال ننماید و احزاب سیاسی هم فقط افراد خود را وارد ادارات کنند و گاهی هم برای [اینکه] مردم اغفال شوند و نگویند احزابی در مملکت نیست در یکی از موضوعاتی که در دانشکده ها درس می دهند و در روزنامه ها می نویسند، سخنرانی نمایند و صحنه سیاست ایران را برای آن دسته از مردمی که خادم اجنبی هستند فرق نموده، تا آنها بتوانند از عهده انجام وظایف خود بر آیند.

من از خود شما می پرسم اگر در مجلس مذاکراتی که به جارو جنجال و غوغا تعبیر می شود، نشده بود، جناب آقای تقی زاده حاضر می شدند خیانت عظیمی را که در دوره دیکتاتوری به میهن عزیز ما شده، فاش نمایند؟ ایشان از ابتدای این دوره هزارها کلام حرف در مجلس زدند ولی نخواستند یک کلام راجع به بیانات من در مجلس ۱۴ اظهار نمایند، چرا؟ برای اینکه دکتر مصدق مرده بود و دستش از میز خطابه به مجلس کوتاه است، البته با مرده کسی بهتر از این رفتار نمی کند. کما اینکه ملت ایران را هم بواسطه روش نتمطوبی که اتخاذ کرده ملت زنده نمی دانند.

سکوت در چنین موقعی در حکم این است که اثاث خانه ای را ببرند و صاحب آن منتظر عس باشد [!]. اگر ما عسس داشتیم، چرا اوضاع ما به این صورت در می آمد؟

آقایانی که در مجلس شورایملی اقلیت متشئت دارید، سکوت نکنید که بر خلاف مصالح ایران است و هیچ فرقی بین این سکوت و رایبی که مجلس برای تمديد داد نمی باشد. پس از سکوت:

گرتضرع کنید و گر فریاد دزد زر باز پس نخواهد داد

به دولت رأی منفی بدهید و ثابت کنید که شما نماینده افکار ملت ایرانید...

دکتر محمد مصدق». (۴)

منصورالملک (علی منصور) نخست وزیر از طرح کردن مسئله نفت و «قرارداد الحاقی گس گلشائیان» در مجلس دوره شانزدهم طفره می رود و حاضر نمی شود تا در باره محتوی آن قرارداد ۱۱ ماده ای بطور صریح اعلام موضع کند. دکتر مصدق نامه آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی را در باره «قرارداد» در جلسه ۲۸ خرداد ۱۳۲۹ مجلس شورایملی قرائت می کند و سعی می نماید همچنین از آن طریق افکار عمومی را علیه «قرارداد» بشوراند.

در نامه آیت الله کاشانی آمده بود «نفت ایران متعلق به ملت ایران است و به هر ترتیبی که بخواهد نسبت به آن رفتار می کند و قرارداد غیر قانونی که به اکراه و اجبار تحمیل شود هیچ نوع ارزش قضایی ندارد و نمی تواند ملت ایران را از حقوق مسلم خود محروم کند». (۵)

«کمیسیون نفت» در تاریخ ۱۳۲۹/۳/۳۰ بخاطر بررسی آن «قرارداد» بریاست دکتر مصدق تشکیل می شود. (۶)

دکتر مصدق و اعضاء جبهه ملی ایران با نخست وزیر شدن سپهبد رزم آرا شدیداً مخالف بودند و بر این نظربودند که سپهبد رزم آرا را بخاطر اینکه قرارداد گس گلشائیان را بتصویب مجلس شورایملی برسانند، آورده اند.

در ۶ تیر ماه ۱۳۲۹، هنگامیکه سپهبد رزم آرا برای معرفی اعضای کابینه اش وارد مجلس شورای ملی می شود، نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورای ملی که «فراکسیون وطن» را تشکیل داده بودند فریاد زدند، «برای چه آمده اید؟ ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی رود. ملت ایران با دیکتاتوری مخالف است.» (۷)

در دوران نخست وزیری سرلشگر حاج علی رزم آرا موضوع نفت مجدداً در دستور کار مجلس قرار می گیرد. دکتر مصدق رئیس کمیسیون نفت مجلس، دولت رزم آرا را استیضاح می کند و نخست وزیر را مجبور می کند تا در رابطه با «قرارداد الحاقی گس - گلشائیان» اعلام موضع کند. اگرچه رزم آرا در صحن مجلس از پاسخ گوئی صریح در باره قرارداد سرباز می زند، اما در جلسه «کمیسیون نفت» در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۲۹ بدفاع از «قرارداد الحاقی گس - گلشائیان» می پردازد و جمله معروف خود «ایرانی لولهنک [آفتابه حلبی] بسازد، چه رسد به این که بخواد اداره صنعت نفت را اداره کند!» را بیان می دارد. (۸)

سرلشگر رزم آرا بخاطر ایجاد رعب و ترس در جامعه در مخالفت با آیت الله کاشانی و دکتر مصدق بیان می دارد: «... اگر زیاد پافشاری کنند مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب خواهم کرد.» (۹)

در مخالفت و اعتراض به اظهارات رزم آرا، مردم در تهران در دفاع از آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق و طرح شعار «مرگ بر قرارداد» دست به تظاهرات می زنند. در همان زمان از سوی عده ای از نمایندگان «جبهه ملی» عضو کمیسیون نفت طرح پیشنهاد «ملی شدن صنعت نفت» مطرح می گردد، موضوعی که مورد استقبال بسیاری از مردم ایران قرار می گیرد، بطوریکه در پشتیبانی از آن خواست، تظاهرات برپا می کنند و از آن تاریخ شعار «ملی شدن صنعت نفت» به خواست بخش بزرگی از مردم ایران تبدیل می گردد. دکتر مصدق و نمایندگان جبهه ملی در مجلس دوره شانزدهم بمبارزه و افشاگری علیه رزم آرا دامن می زنند.

در روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ رزم آرا که باتفاق اسدالله علم وزیر کار بخاطر شرکت در جلسه ختم مرحوم آیت الله فیض که در مسجد شاه تهران برگزار شده بود، به مسجد شاه می رود که در آن مکان توسط خلیل طهماسبی (عبدالله موحد رستگار) یکی از اعضای فدائیان اسلام ترور می گردد. (۱۰) فضای سیاسی التهاب آمیز حاکم بر جامعه بعد از ترور رزم آرا، در تغییر جو حاکم بر جامعه و مواضع اکثریت نمایندگان مجلس که بسیاری از آنها از طرفداران پروپاقرص دولت انگلیس و فراماسونری بودند، بی تأثیر نبوده است، زیرا یکمرتبه اکثر نمایندگان مجلس طرفدار ملی شدن صنعت نفت می شوند.

اعضای کمیسیون نفت مجلس دوره شانزدهم که ریاستش بعهده دکتر محمد مصدق بود سرانجام بر اصل «ملی شدن صنعت نفت» به توافق می رسند و در جلسه کمیسیون پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در «تمام مناطق ایران» را تصویب می کنند. متن پیشنهاد کمیسیون نفت که به تصویب اعضای کمیسیون نفت می رسد، بدینقرار بود:

«به نام سعادت ملت ایران و به منظور تامین صلح جهان، امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد.» (۱۱)

مصوبه کمیسیون نفت در ۲۴ اسفند به تصویب مجلس شورای ملی و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب مجلس سنا می رسد.

دکتر مصدق در سال ۱۳۳۰ در باره روز ملی شدن صنعت نفت بیان می دارد:

« نظر به این که روز بیست و نه اسفند ماه ۱۳۲۹ با تصویب قانون ملی شدن نفت در شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی صفحه نوینی در تاریخ افتخارات کشور باستانی ایران باز شده و یاد آور رشد ملی و عظمت روح ایرانی و نمودار علاقمندی تمام افراد ملت به حفظ استقلال کشور می باشد، از این بابت روز بیست و نه اسفند که دوران جدیدی را نوید میدهد به افتخار ملت ایران بعنوان جشن ملی تلقی و تعطیل عمومی اعلام می گردد.»
نخست وزیر دکتر محمد مصدق

عده ای از طرفداران رژیم پهلوی که هنوز خود را از دشمنان نهضت ملی و دکتر مصدق می دانند ، سعی دارند تا بر هدف اصلی ملی شدن صنعت نفت ، یعنی پایان دادن به هژمونی سیاسی شرکت نفت انگلیس در ایران که آن سیاست چیزی جز متحقق کردن خواست و اهداف دولت استعمارگرانگلیس در ایران از طریق شرکت نفت نبود، سرپوش بگذارند و بواقعیتی که در آن زمان بر جامعه ایران حاکم بوده است توجه نمی کنند. در حالیکه دکتر مصدق در مبارزات و روشنگری هایی که بر محور « تز سیاست موازنه منفی» از دوران مجلس چهاردهم قانون گذاری دامن زد، صریحاً بیان داشت که، شرکت نفت به دولتی در دولت ایران تبدیل شده است که علیه منافع ملی و حاکمیت ملی ایران توطئه می کند!

دکتر مصدق در نامه ای که در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ به آقای موریسون وزیر امور خارجه انگلستان نوشت ، متذکر شده است:

« ... یکی از علل سوء تفاهات عملیات و رفتار شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بود که باعث عدم رضایت ملت ایران شده بود و غالباً آنرا از چشم مأمورین دولت انگلیس می دیدند... مقصود از ملی شدن صنعت نفت کاملاً روشن است.
ملت ایران می خواهد از حق حاکمیت ملی خود استفاده و بهره برداری از منابع نفت را خود بعهده داشته باشد و جز اجرای قانون ملی شدن صناعت نفت مقصودی ندارد...» (۱۲)

برخی از نویسندگان و تاریخ نگاران ایرانی همچون ابراهیم صفائی، چون برای ارزش های فکری دکتر مصدق ، از جمله رابطه بین دفاع از « حاکمیت ملی » و « استقلال » با « آزادی » ، اهمیت چندانی قائل نشده و نمی شوند و همچنین حاضر نبوده و نیستند تا در نوشته ها و گفته های خود به وضع سیاسی که در آن مقطع زمانی بر ایران و جهان حاکم بود توجه نمایند ، بر مصدق خرده می گیرند، که چرا رهبر نهضت ملی ایران حاضر نشد، پیشنهاد های دولتهای استعمارگر انگلیس و ایالات متحده آمریکا و یا بانک جهانی و یا امتیاز ۵۰-۵۰ را بپذیرد و از آن طریق به بحران نفت پایان دهد. درحالیکه تمام آن پیشنهادها از جمله پیشنهاد بانک جهانی بر پایه شرایطی تعیین شده بودند، که قبول هر یک از آنها در حقیقت چیزی جز نفی اصل «حاکمیت ملی» نبود!

بسیاری از فعالین و گروه های مذهبی ، بعثت کوشش دارند تا با تفسیر های غلط از مبارزات آن دوران، بخیال خود از نقش دکتر مصدق در دوران نهضت ملی بکاهند و یا عده ای از مخالفین نیروهای مذهبی سیاسی بغلط کوشش دارند تا از نقش آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی ، حسین مکی، دکتر مظفر بقائی ... در امر پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت بکاهند، اعمالی که بهیچوجه بیانگر تاریخ واقعی نهضت ملی شدن صنعت نفت نیست .

بنظر من باید به تمام مخالفین دکتر مصدق یاد آور شد که دکتر محمد مصدق جایگاه والای خود را در تاریخ استقلال طلبانه و آزادیخواهانه ملت ایران دارد، بی توجهی به این واقعیت چیزی جز بی آبرویی بهمراه نخواهد داشت و یا چنین ادعائی نشان از ناآگاهی و کم خردی سیاسی چنان افرادی است! همچنین باید تاکید داشت ،اگر به عملکرد و تصمیمات سیاسی افرادی همچون آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی ، دکتر مظفر بقائی ، حسین مکی ... بخاطر فاصله گرفتنشان از دکتر مصدق و ارزش های نهضت ملی و مبارزات ضد استعماری، انتقاد وارد است، که هست!! البته این فاصله و جدائی ،

بهیچوجه نباید سبب گرد تا مبارزات و فعالیت های این افراد در پیروزی ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و یا پشتیبانی آنها از قیام سی تیر ۱۳۳۱ نادیده گرفته شود!!

البته ضروریست خاطر نشان کرد که ظاهر آقای دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری، برعکس ادعاهای بسیاری از طرفداران حزب الهی اش و برخی از روحانیون و سیاستمداران مذهبی تمامیت خواه حاکم بر وطنمان ایران، نه تنها نقش دکتر مصدق در پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت را بزرگوار و نبرده است، بلکه سعی دارد تا مسئله «غنی سازی اورانیوم و هسته ای ایران» را همردیف «ملی شدن صنعت نفت» جلوه دهد و حتی وی بر این نظر است که مسئله غنی سازی مهم تر از موضوع ملی شدن صنعت نفت می باشد!

در رابطه با گفتار آقای احمدی نژاد ضروریست متذکر شد، ما سوسیالیست های مصدقی براین نظریه که این حق ملت ایران است، همچون ملل دیگر جهان از حق «غنی سازی اورانیوم» برخوردار باشد. سازمان ما (سازمان سوسیالیست های ایران) همیشه بر اصل حق «حاکمیت ملی» تاکید کرده است.

اتفاقاً بر پایه همین برداشت است که مامی گوئیم، تا زمانیکه برخی از کشورهای جهان دارای زرادخانه اتمی هستند، این از حقوق کشور ایران باید باشد تا همچون کشور های اسرائیل، پاکستان، هندوستان، هند، چین، روسیه، فرانسه، انگلیس، ایالات متحده آمریکا،... صاحب بمب اتمی باشد! اما از آنجا که سازمان ما (سازمان سوسیالیست های ایران) با هر نوع جنگ مابین ملت ها و دولتهای جهان مخالف است و از خواست «صلح» ما بین تمام کشورهای جهان دفاع می کند و با توجه باین واقعیت که شعار مرکزی سازمان ما، شعار «آزادی، استقلال، صلح» می باشد!

ما سوسیالیست های مصدقی بهیچوجه طرفدار تسلیحات اتمی نیستیم و از خواست جهان بدون تسلیحات اتمی با تمام نیرو پشتیبانی می نمائیم. ما طرفدار خاورمیانه بدون بمب اتمی هستیم! با توضیحاتی که رفت، ما براین نظریه که خواست صلح در خاورمیانه میطلبد که نه تنها ایران نباید بمب اتمی صاحب شود، همچنین دولت اشغالگر اسرائیل نیز نباید بمب اتمی در اختیار داشته باشد!!

با توجه به توضیحاتی که رفت،

بنظر ما سوسیالیست های مصدقی تفاوتی که بین «ملی شدن صنعت نفت» و «غنی سازی اورانیوم و مسئله هسته ای» وجود دارد، این تفاوت به چگونگی عملکرد و محتوی سیاست و تصمیمات دولت دکتر مصدق و دولت دکتر احمدی نژاد مربوط می شود و نه به موضوع دفاع از «حاکمیت ملی»!!

از خاطر نباید دور داشت، اگرچه دولت های استعمارگر انگلیس و ایالات متحده آمریکا در زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت، تمام نیروی خود را علیه دولت ملی و قانونی دکتر مصدق بکار گرفتند و حتی خرید نفت ایران را تحریم نمودند، ولی درایت و کاردانی دکتر مصدق سبب شد تا دولت استعمارگر انگلیس و متحدینش نتوانند از سازمان ملل علیه منافع ملی ایران سوء استفاده کنند و حتی دادگاه بین المللی لاهه، از جمله قاضی انگلیسی در آن دادگاه بنفع ایران رأی صادر کرد!

همچنین ضروریست بخاطر داشت و فراموش نکرد که با پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، حاکمین جدید ایران برهبری آیت الله العظمی خمینی، از آنچنان آبروی سیاسی در جهان برخوردار شدند که هیچ کشور اروپائی و آمریکائی اگرچه در ظاهر برای «انسانیت» و «دفاع از حقوق بشر» ارزش والائی قائل می شدند، باوجود اینکه محمد رضا شاه سخت مریض بود، از دکتر و دارو نسبت به وی مضایقه نمودند و حاضر نشدند تا او را بعنوان پناهنده سیاسی بپذیرند!

رهبران و حاکمین جمهوری اسلامی با چنین سرمایه ی بزرگی که مبارزات ضدامپریالیستی و ضد استبدادی ملت ایران در اختیار آنان گذاشت ، حکومت خود را شروع کردند. ولی اتخاذ سیاستهای غلط مقامات دولتی و مذهبی جمهوری اسلامی که در بسیاری از موارد ، آن تصمیمات و عملکردها نه تنها در مغایرت با قوانین بین المللی و حقوق بشر قرار داشت، حتی بسیاری از آنها برخلاف اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بود.

گفتار بی خردانه و نامعقول جناب دکتر احمدی نژاد ، رئیس جمهور، درباره یکی از بزرگترین جنایات بشری بنام «هولوکاست» و یا ادعای نابود کردن کشوراسرائیل، در واقع بزرگترین کمک به دستگاه های تبلیغاتی آن دولت اشغالگر در سطح جهان بود، سبب شد تا حالتی را در جهان بوجود آورد که بهیچوجه در خدمت حفظ منافع ملی و تمامیت کشورایران نیست. روشن است که وطنخواهان ملیگرا و انساندوست، همچون ما سوسیالیست های مصدقی نمی توانند با چنین سیاستهای بی خردانه ای توافق داشته باشند و آنرا بحساب دفاع از «حاکمیت ملی» قلمداد کنند !!

دکتر منصور بیات زاده

۲۹ اسفند ۱۳۸۶ برابر با ۱۹ مارس ۲۰۰۷

dr.bayat zadeh@ois-iran.com
www.ois-iran.com

پی نوشت:

- ۱ - حسین کی استوان ، سیاست موازنه منفی ، در مجلس چهاردهم، جلد اول ، بهمن ۱۳۲۷ و جعفری قنواتی ، محمد. معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق، جلد اول: ۱۳۸۰، صفحات ۷۰ و ۷۱ ، نشر قطره، چاپ دیدآور.
- ۲ - صورت مذاکرات مجلس شورایملی دوره چهاردهم قانونگذاری ، ۱۱ آذر ۱۳۲۳.
- ۳ - ابوالفضل لسانی ، طلای سیاه یا بلای ایران ، صفحات ۴۸۸ تا ۴۹۳ .
- متن قرارداد الحاقی گس - گلشانیان،
به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایرانی - سوسیالیست های مصدقی
[www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-jek\(1\)-matne-gharardade-elhaghi-ges-golshaiyan-26-tir-1328.htm](http://www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-jek(1)-matne-gharardade-elhaghi-ges-golshaiyan-26-tir-1328.htm)
- ۴ - ترکمان ، محمد - نامه های دکتر مصدق ، نشر هزاران ، چاپ دوم : ۱۳۷۵، جلد اول ، نامه دکتر مصدق به حسین مکی ، صفحات ۱۰۲ و ۱۰۳ .
- متن کامل نامه دکتر مصدق به حسین مکی در باره قرارداد الحاقی گس - گلشانیان در مجلس دوره پانزدهم .
به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایرانی - سوسیالیست های مصدقی

۵ - جعفری قنوازی ، محمد. معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق، جلد اول: ۱۳۸۰، صفحه ۷۸، نشر قطره، چاپ دیدآور

۶ - نجاتی، سرهنگ غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، صفحه ۱۰۸ .

۷ - جعفری قنوازی ، محمد. معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق، جلد اول: ۱۳۸۰، صفحه ۷۷ ، نشر قطره، چاپ دیدآور

۸ - جعفری قنوازی ، محمد. معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق، جلد اول: ۱۳۸۰، صفحه ۷۸ ، نشر قطره، چاپ دیدآور

- پرسه در مطبوعات -

روزنامه ایران سرمقاله دیروز خود را به پیشرفت خیره کننده ایران در عرصه دانش هوا-فضا اختصاص داد و نوشت: «ایرانی جماعت حتی نمی تواند يك لولهنگ بسازد چه رسد به اداره کردن صنعت بزرگ نفت!

این جمله را سپهبد رزم آرا، مهره آمریکا و نخست وزیر شاه حدود ۶۰ سال پیش در مجلس شورا بر زبان آورد. جمله ای که به صریح ترین وجه ممکن، خودباختگی، ذلت و زبونی رژیم ستمشاهی و خیانتی که مدعیان تمدن بزرگ با تحقیر ملت ایران مرتکب می شدند، به نمایش گذاشت. روزنامه کیهان

چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۸۶ - ۲۸ محرم ۱۴۲۹ - ۶ فوریه ۲۰۰۸ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۹۰۱۶

<http://www.kayhannews.ir/861117/3.htm>

- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

به نقل از گفت وگو: مرتضی رسولی پور با رضا سجادی مفسر و گوینده رادیو در دوران رضا شاه و محمد رضا شاه. او در آن گفتگو در باره نظرات رزم آرا گفته است: «ایرانی که نمی تواند يك لولهنگ بسازد، چگونه می خواهد صنعت نفت را ملی کند و خودش اداره آن را به دست بگیرد. ما که نمی توانیم يك کارخانه سیمان را با پرسنل خودی اداره نماییم، با کدام وسیله و ابزار می خواهیم نفت را هم استخراج کنیم و هم بفروشیم.»

http://www.iichs.org/index.asp?id=273&doc_cat=8

۹ - «... اگر زیاد پافشاری کنند مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب خواهیم کرد.»

تصویب ملی شدن صنعت نفت ایران به نفل از سایت:

<http://www2.irib.ir/occasions/naft%5Cnaft.htm>

۱۰ - ابراهیم صفائی ، یکی از تاریخ نگاران مخالف مصدق و ضد نهضت ملی شدن صنعت نفت ، که در حقیقت یکی از تاریخ نگاران پیش کسوت افرادی مانند جلال متینی ، دکتر علی میرفطروس و حمید شوکت در مبارزه با نهضت ملی است .

صفائی صفحات ۱۳۷ تا ۱۴۰ کتاب « اشتباه بزرگ ملی شدن نفت؟ » را به موضوع ترور رزم آرا اختصاص داده است. او در صفحه ۱۳۷ آن کتاب به نقل از صورت جلسه کمیسیون نفت در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ می نویسد:

«... قابل تأمل است که در همان لحظاتی که « دکتر مصدق » در کمیسیون نفت بر لزوم ملی شدن نفت تأکید می کرد و به « رزم آرا » ناسزا می گفت، مجلس ختم « آیت الله فیض » در مسجد سلطانی برپا بود و « رزم آرا » باید برای برچیدن ختم به آنجا می رفت ، ولی فراموش کرده بود. « علم » وزیر کار نزد او رفته، به او یادآور شد. « رزم آرا » گفت : عجب ، چطور فراموش کرده بودم. شتابزده برخاست و بدون مستحفظ و اسکورت تک و تنها همراه « علم » با اتومبیل نخست وزیری به مسجد سلطانی رفت و همین که داخل حیاط مسجد پیش میرفت، به وسیله یک کارگر از افراد متعصب گروه فدائیان اسلام به نام خلیل طهماسبی (که نام دیگرش عبدالله موحد رستگار بود) از پشت سر هدف سه گلوله قرار گرفت » و ترور شد.

تمام آن مطالب رامی توان از طریق لینک زیر در روی سایت سازمان سوسیالیست ها خواند:

[www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-seh\(3\)-ebrahim-safaie-terore-razmara-16-esfand-1329.htm](http://www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-seh(3)-ebrahim-safaie-terore-razmara-16-esfand-1329.htm)

دکتر همایون کاتوزیان نیز در صفحات ۱۶۷ و ۱۶۸ کتاب « مصدق و نبرد قدرت در ایران » مطالبی در باره ترور رزم آرا بنگارش در آورده است. او در آن کتاب متذکر شده است که شایع است که «دربار شاه» در قتل رزم آرا دست داشته است.

آن مطالب رامی توان از طریق لینک زیر در روی سایت سازمان سوسیالیست ها خواند::

[www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-tchahar\(4\)-homayon-katoziyan-terore-razmara-16-esfand-1329.htm](http://www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-tchahar(4)-homayon-katoziyan-terore-razmara-16-esfand-1329.htm)

۱۱ - نجاتی ، غلام رضا - سرهنگ ، «جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران »، صفحات ۱۰۸ و ۱۰۹.

- نام اعضای کمیسیون نفت عبارت بودند از: دکتر مصدق - دکتر سید علی شایگان - ابوالحسن حائری زاده - الهیار صالح - حسین مکی - جمال امامی - جواد گنجه ای - هدایت الله پالیزی - ناصر ذوالفقاری - جواد عامری - علی اصغر سرتیپ زاده - عبدالرحمن فرامرزی - دکتر حسن علوی - میر سید علی بهبهانی - خسرو قشقائی - دکتر نصرت الله کاسمی - محمد علی هدایتی - فقیه زاده (به نقل از : ابراهیم صفائی - اشتباه بزرگ ملی شدن نفت - صفحه ۱۰۳ و خاطرات دکتر انورخامه ای - جلد سوم - انتشارات نوید- صفحه ۲۶۰ و همایون کاتوزیان - مصدق و نبرد قدرت در ایران - صفحه ۱۸۵)

۱۲ - ترکمان ، محمد - نامه های دکتر مصدق ، نشر هزاران ، چاپ دوم : ۱۳۷۵ ، جلد اول ، نامه دکتر مصدق به آقای موریسون وزیر امور خارجه انگلستان، صفحات ۱۶۵ و ۱۶۶

- به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایرانی - سوسیالیست های مصدقی

[www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-pandj\(5\)-namahe-dr.mossadegh-be-wazire-omore-kharejahe-engelestan-16-ordibehesht-1330.htm](http://www.ois-iran.com/ois-iran-sanade-shomarahe-pandj(5)-namahe-dr.mossadegh-be-wazire-omore-kharejahe-engelestan-16-ordibehesht-1330.htm)